



#روحانی_متشکریم

در آخرین روزهای دولت دوازدهم کاربرانی با هشتک «روحانی متشکریم» از اقدامات مثبت دولت های یازدهم و دوازدهم می‌نویسند.
برجام، سیاست خارجی و مدارا با منتقدان مهم‌ترین مسائلی است که مطرح می‌شود و البته در این میان نقدهایی را هم می‌خوانیم: «جناب آقای دکتر حسن روحانی از هر دو رای خودم به شما سربلندم، نقد و گلایه‌هایی هم دارم. به‌خاطر تیم شریف و کاربلد و دلسوزان؛ ظریف، زنگنه، جهانگیری، جنیدی، امیر حاتمی، صالحی، فرجی‌دانا، آخوندی، نیلی، حجتی، طبیب‌نیا، مولاوردی و... برای ایران»، «روحانی در این سال‌ها محبوبیتش رو هم فدای حفظ ایران کرد»، «تلاش روحانی برای پیشرفت نبود، بلکه اولوی سقوط کشور، به جهنم جنگ و ویرانی را گرفت و در این راستا بسیار موفق و قابل تقدیر بود. او با مذاکره هوشمندانه برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ را به ارمغان آورد که با تمام شیطنت ترامپ و اسرائیل و دلواپس‌ها استوار از ایران حمایت کرد»، «پشیمان؟ هرگز. دلمون از آلان برات تنگ شده آقای رئیس جمهوری»، «همیشه چهار ماه می‌گذشت تا قدر رئیس جمهوری قبلی رو بفهمیم، این دفعه از همین حالا قدرشون رو پیدا کردیم»، «به‌خاطر اینکه فهمیدیم که میشه به رئیس‌جمهوری نقد کرد روحانی متشکریم»، «توی این هشتک

شهر وند مجازی

بنگانه خدایمی

رسیدم دیدن کنسرت پادشاه عالم موسیقی بود. همچنان یگانه می تازد با صدای گیرا، گرم، افلاکی که گاهی لرزه بر اندام می اندازد و گاه قلب را نوازش می کند. الا با ایهاالساقی! آدر کاساً و ناولها. سایه ات مستدام استاد»، «شهرام ناظری تو کنسرت آنلاین دوباره قدرت صداتشو به رخ کشید و نشون داد در هفتاد سالگی هم بلبل آواز ایرانیه»، «کنسرت آنلاین شهرام ناظری خیلی عالی بود. بعد از مدت ها یکی، دو ساعت موسیقی زنده و عالی دیدم»، «الهی من دورت بگردم آقای ناظری که گفت وسط آتش در نیستان یادم افتاد که قطعه قبلی به بخشش رو نخوندم، بعد اون بخش اون قطعه رو خوند»، «کنسرت آنلاین حال نمی‌ده»، «اجرای شهرام ناظری واقعاً چیزی بود که می‌تونست جلوه‌گیری کنه از فروپاشی مغزم و تمام حال بد اخیر رو داره می‌شوره»، «به والله اونجا که شهرام ناظری تو کنسرت آنلاینش برای شجریان خوند و گفت «ای طبیب جمله علت‌های ما» خود شجریانم داشت گریه می‌کرد»، «کاش قبل اینکه نباشیم یا نباشی، اونجا روبه‌رو تر بشینم و بعد هر آهنگ قلمبوم از جا کنده شه و صدا سالن رو پرکنه. این تو خلا خوندن برای شما نیست»، «امشب کنسرت آنلاین ناظری منویه چند قدمی به آرزوم نزدیک کرد.»

شهر یار عباسی: کرونا مانند برخی بحران‌ها در داستان نویسی موج ایجاد نمی‌کند

به‌نظر پاندمی‌ها تفاوت‌هایی با جنگ، سیل و زلزله دارند. این بیماری آن چنان فاجعه‌بار نشده است، نمی‌خواهم بی‌رحمانه به موضوع نگاه کنم، تعداد زیادی از هموطنان مان از بین رفته‌اند، اما در مقایسه با جنگ و بمباران و زلزله که در مدت کوتاه یک شهر را نابود می‌کند و تعداد زیادی آدم کشته می‌شوند، کمتر با فاجعه مواجه هستیم. من انتظار ندارم ادبیاتی مانند ادبیات جنگ هشت‌ساله عراق و ایران که فضایی احساسی و ایدئولوژیک مذهبی یا پاری برخی ایدئولوژیک میهن‌پرستانه دارد، داشته باشد. از کرونا اصلاً چنین انتظاری ندارم اما قطعاً تأثیری در ادبیات ما خواهد داشت، حال ممکن است امسال نباشد و سال دیگری باشد. حدم این است داستان‌هایی خلق شود اما انتظار موج ندارم.

بخشی از سخنان نویسنده بازیگوش و دختر لوتی در گفت‌وگو با ایسنا



کودک به اجبار و تکلیف کتابخوان نمی‌شود

سبب اشتیاق بیشتر به پیگیری درس‌های مدرسه می‌شود. راهکار سودمند دیگری که والدین می‌توانند از آن بهره بگیرند کتابخوانی اشتراکی است، به این شکل که بخشی از کتاب را خودشان بخوانند و بخشی را هم به کودک بپسایند و با اشتیاق به کتاب خواندن او گوش بدهند.
دراین‌بین فراموش نکنیم که تشویق به کتابخوانی نباید شکل اجبار و تکلیف پیدا کند! نباید وقت و بی‌وقت گریبان کودکان را بگیریم که حالا وقت کتاب است. زمانی سراغ او برویم که خودش هم مشتاق باشد.
دراین‌بین تشویق‌های غیرمستقیم هم در علاقه‌مند کردن آنان مؤثر است، به‌عنوان نمونه وقتی نوبت کتابخوانی فرزندمان شد با اشتیاق گوش بدهیم، حتی گاهی بگوییم چقدر خوب می‌خوانی، یا اینکه بگوییم این جای داستان چقدر قشنگ بود و... مسأله جالب‌توجه اینکه کودکان برخلاف ما تکرار را دوست دارند، یک کتاب را بارها می‌خوانند یا از ما می‌خوانند که برای آنان بخوانیم.
خسته نشویم و همراهی‌شان کنیم تا آنان هم به‌مرور عضوی از جامعه کتابخوان شوند.
طی ده-بیست سال اخیر کتاب‌های کودک و نوجوان خوبی روانه کتابفروشی‌ها شده که با قدری جست‌وجو و حتی کمک گرفتن از کارشناسان یا فهرست‌هایی که منتشر می‌شوند می‌توان آنها را تهیه کرد. کتاب‌های مناسب کلاس اولی‌ها اغلب تعداد واژگان کمی دارند و با محتوای ساده و قابل فهمی نوشته شده‌اند. این‌طور که شنیده‌ام حتی برخی مؤسسات نشر نظیر افاق کتاب‌های مناسب کلاس اولی‌ها منتشر کرده‌اند. البته ازنظر کیفی و اینکه چقدر مضمون آنها ازنظر روانشناسی بررسی شده اطلاعی ندارم.
اینها نشان می‌دهد که حتی ناشران هم بیش از گذشته متوجه ضرورت انتشار آثار مناسب کودکان کلاس اولی یا دومی شده‌اند که اتفاق خوبی است.

«سلوک» در موسیقی ایرانی

در روزگاری به سر می‌بریم که چندان اقبالی به موسیقی قدیم ایران از سوی ناشران، رسانه‌ها و دیگر مراکز و افراد ذریبط نمی‌بینیم! اما هستند هنرجویان، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندانی که به‌هر دلیلی به‌دنبال فضاهای شنیداری اصل هستند و تمام کوشش آنها مبتنی برحفظ، احیا و اشاعه این نوع از موسیقی است که می‌خوانندش «موسیقی دستگاهی یا موسیقی ملی یا موسیقی سنتی یا موسیقی اصیل ایرانی....». خوشبختانه ضرورت حفظ و ترویج موسیقی براساس فنون اجرا و آهنگسازی موسیقی به سبک و فرهنگ خانواده ایرانی از سوی تنی چند از استادان موسیقی در دانشگاه تهران و خارج از مراکز رسمی آموزش عالی به هنرجوان و دانشجویانی که احساس می‌کنند دغدغه فرهنگ

مداری دارند دراین بلشوی مسموم رسانه – شنیداری– تأکید و هدایت دارند تا دست به خلق آثار ی‌برزند با کلام و بی‌کلام و تجربیات تازه خود را به سمع و نظر مردمانی که احساس می‌کنند مدت‌هاست در تغذیه شنیداری فقیر شده‌اند و تا به‌کی می‌بایست صرفاً از موسیقی‌های دهه ۳۰ تا ۷۰ را شنوا باشند اینگونه به‌رمند گردند.
نقیسه غلامپور کارشناس مهندسی برق و ارشد مهندسی عمران– نقشه‌برداری از دانشگاه تهران– و کارشناس ارشد موسیقی ایرانی متولد دی ۱۳۶۱؛ بابل، با ذهنیت و نگاهی مهندس مایبانه توانسته است خروجی پایان نامه خود چنین آلبوم نقیسی را در همه ابعاد تکنوازی، همناوژی و گروه نوازی (آنسامبل) که برگرفته از گرته برداری‌هایی از دوره تیموری و نه تقلید درصدا دهی و مسیر ملودی آوری، که سال‌هاست گوش علاقه‌مندان به یک موسیقی آشناست، در تکنوازی‌ها، چند نوازی‌ها، تصانیف و نوآوری و به اصطلاح مرسوم آهنگسازی و رعایت دقیق بر متمر و ریتم و تمپو مبتنی بر ادوار اقیاع، فلسفه چند صدایی مختص فرهنگ شنیداری ایرانی را چنان شنیدنی و پرمحتوا رهنمون کند که گویی یک استاد موسیقی با آگاهی تمام می‌خواهد نه فقط به فراگیرانش بلکه مردمان روزگار بعد از خود را هم یادآور باشد که این نغمه‌ها و آواها و فرم‌های دلنشین موسیقی‌سازی و آوازی ایران روایتگر تاریخ گذشته و حال و آینده است و باید چندین باره شنیدش... ترکیب دلنشین سازهای عود، سنتور، کمانچه وکوبه‌ای‌ها و همخوانان والیته خواننده خوش‌خوان، فرانکسی شالیزار وار، در بُعدی وسیع، سبزو گرم و در نهایت پخته باشد همچون برنج ناب شمال ایران که عطرش تا دنیا شغفتنی رایحه‌ای است از نوع ایرانی...!

ترکیب‌بندی اتمسفر آواز بیات ترک و آواز دشتی از متعلقات دستگاه شوردر نوبت بندی‌های مرتب با بهره‌گیری ازچینش بانگاه مغربی سوپنیت وار از لحاظ انطباق مبانی نظری موسیقایی غرب و شرق در آلبوم «سلوک» شنونده هوشیار را به محدوده شنیداری با تکنیک‌های رایج در سازها و خواش خوانندگی بسط و گسترش می‌یابد و نقش آفرینی رنگارنگی دریافت چند صدایی ویژه موسیقی ایرانی از ابتدا تا انتهای آثارمواج است.
بیایید با هم در حمایت از موسیقی‌های خوب گوش نواز فرزندان سرزمینمان بیش از پیش کوشا باشیم.

- «سلوک»
- آهنگساز نقیسه غلام پور
- خواننده امیر اتنی شیری
- ناشر ماهور



عکس نوشت

عزیزالله نعیمی عکاس پیشکسوت دیروز درگذشت. او که از سال ۱۳۵۴ وارد رادیو و تلویزیون شد و عکاسی از انقلاب و دفاع مقدس را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد عکسی ازروز خاکسپاری امام خمینی (ره) گرفته بود که کمتر دیده شده است.

زندگان هنر و زنده‌یادانِ هنر کم نگذارند.



مردی به‌نام آوه

فردریک بکمن

مترجم: محمد جواد نعمتی

این روزا مردم فقط کامپیوتر دارن و دستگاه اسپرئو!

جامعه‌ای که توی اون هیچ کس نمی‌تونه

به به روش منطقی، با

دست بنویسه و

با دست قهوه دم کنه،

کجا میره؟

کجا...؟!!

یادداشت



میثم یوسفی کارگردان تئاتر

همین سه عنصر تشکیل می‌دهند.

تئاتر تنها هنری است که در تمام اشکال آن نیاز به تماشاگر دارد و حضور تماشاگران در نمایش حضوری انرژی‌بخش و برای گروه اجرایی امیدبخش است، اگر تماشاگر یا مخاطبان تئاتر حذف شوند بخش بسیار مهمی از جذابیت اش را از دست می‌دهد؛ برای جذب مخاطب بجز گروه اجرایی و رسالت آنها در انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری یک ایده و هدف به مخاطب، مسئولان و مدیران فرهنگی و هنری جامعه اعم از مدیران تالارهای نمایشی و مدیریت مرکز هنرهای نمایشی (درحمایت هر چه بهتر در تولید آثار تئاتری و بهبود وضعیت سخت افزاری و زیر بنایی مکان‌های هنری و علی‌الخصوص امنیت و سلامت گروه اجراکننده و امنیت و سلامت مخاطبان) نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

نهادها و سازمان‌های فرهنگی و هنری مانند شهرداری‌ها و رسانه‌های ارتباط جمعی مثل صدا وسیما در بازتاب هر چه بهتر و همچنین اطلاع‌رسانی آنچه روی صحنه است می‌توانند بسیار نقش آفرین باشند و به‌معنای کلی‌تر و مهم‌تر در بازتاب و معرفی این آثار هنری به مردم جامعه و گروه‌های هنری بسیار می‌توانند مؤثر و مفید واقع شوند، به‌عنوان مثال در شرایط بفرنج کنونی، پلتفرم‌های تازه مولدشده در فضای مجازی و همچنین شبکه‌های مختلف تلویزیونی پس از پایان دوره یک ماه اجرای آثار می‌توانند این نمایش‌ها را با کیفیت‌های استاندارد، ضبط و مناسب با مدیومی به نام تلویزیون و قاب تصویری آن، از شبکه‌های مختلف پخش کنند.

لازم به ذکر است شرایط اقتصادی در دوره‌ای که در آن بسر می‌بریم نیز تأثیر بسزایی در استقبال مخاطب از آثار هنری دارد و حتماً تهیه بلیت‌های گران‌قیمت آثار نمایشی برای آنها ممکن است در اولویت قرار نگیرد که در این زمینه هم مدیران فرهنگی می‌توانند با تخصیص بودجه‌های فرهنگی برای تولید و حمایت از هنرمندان و مخاطبان به حیات و بقای گروه‌های تئاتری و جذب تعداد بیشتری از مخاطبان راهگشا و کمک رسان باشند، به‌عنوان نمونه مراکز فرهنگی می‌توانند با تخصیص یارانه‌های فرهنگی قدم بزرگی را در این راه بردارند تا خانواده‌ها نیز بی‌دغدغه بتوانند این خوراک‌های فرهنگی را در سبد خرید خانوار خود داشته باشند و آن را حذف نکنند؛ به‌هر روی اگر به اهمیت و تأثیرپذیری تئاتر در جامعه ایمان داشته باشیم و به‌گفته‌ای دیگر برای آن نقشی درمانگر، آن هم در شرایط کنونی قائل باشیم پس لازم است به‌صورت جدی‌تر و تخصصی‌تر به مسائلی که در این یادداشت به آن اشاره شد فکر شود و تمامی کسانی که در هر رتبه و جایگاه و سطحی، دغدغه حیات و رشد تئاتر را در سر دارند دست به دست هم بدهند تا این هنر مادر بتواند به نقش خود در جامعه عمل کند و همان‌طور که آمد شکی نیست که تئاتر در گذشته و حال و آینده نقشی معجزه‌آسا به عهده داشته است، البته به شرطی که تمامی زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌ها برای جذب مخاطب بدرستی صورت پذیرد.

